

علم طلسمات، یک دنیای شگفت

آنچه ملاحظه می فرمایید معرفی کوتاهی است از یک نسخه در علم طلسمات که حاوی تصاویر هنری جالبی است، اما پیش از آن اجمالی از تاثیری که این علم ذهنیت تمدنی مسلمانان داشته سخن به میان آمده، گرچه این آغاز راه است....



وبلاگ < جعفریان، رسول - آنچه ملاحظه می فرمایید معرفی کوتاهی است از یک نسخه در علم طلسمات که حاوی تصاویر هنری جالبی است، اما پیش از آن اجمالی از تاثیری که این علم ذهنیت تمدنی مسلمانان داشته سخن به میان آمده، گرچه این آغاز راه است....

علوم غریبه، جایگاه شگفتی در میان علوم دینی داشته که در میان ملل مختلف و از جمله مسلمانان بوده است. این علم به دلایل مختلف محدود به افراد خاصی بوده است که می بایست ویژگی هایی می داشتند. این افراد که وانمود می کردند با امور پنهان و از جمله اجنه و شیاطین و دیوان سروکار دارند، خود را قادر به انجام کارهایی می دانستند که به طور عادی از مردم ساخته نبود. بخشی از این علم یا شبه علم، اختصاص به رفع و دفع مصائب و مشکلات مردم داشت که طبعاً برای مردم نهایت اهمیت را داشت و از آنجا که راه حلی برای انجام آنها نداشتند، به این افراد پناه می بردند. اکنون نمی خواهیم به کار روانشناسی اجتماعی این بحث بپردازیم، بلکه آنچه اهمیت دارد تبدیل شدن این امور به یک علم در میان مسلمانان است.

طی سالیان و با استفاده از تجارب سایر ملل، برای این علم مبانی و متون و روشها ساخته شد و هزاران کتاب و کتابچه تالیف گردید که امروز در کتابخانه های ما غالباً به صورت خطی نگهداری می شود و البته همین امروز هم مشتریان زیادی دارد. در مقابل بودند کسانی که آن را به عنوان یک علم انکار می کردند اما در این سوی، جرأت بر انکار آن توانایی خاصی می خواست که در طبیعت مفهوم علم در میان مسلمانان نبود. به عبارت دیگر مردم این قبیل مطالب را نمی توانستند به صراحت انکار کنند، به عکس، گاه به قداست آن می اندیشیدند و گاه که با اوراد و اذکار و ادعیه در آمیخته می شد، به راحتی قبول می کردند و اگر کسی هم انکار می کرد بر می آشفتند. البته جن مورد تایید قرآن است اما ادعاهای اینها در باره دنیای جنیان و نیز ادعاهایشان در ارتباط چیزی نبود که به سادگی بتواند قبول شود، هرچند آنها این ارتباط را راحت ترین کار برای خود می دانستند و مدعی بودند که قدرت آنهاست که این مشکلات را حل می کند.

با این حال، اگر کسی سرک به اندرون این متون می کشید، می دید که چه عجایب و غرایبی بیان شده و از هر وسیله از خط و نقش و نقاشی و در کنار عبارات عجیب و غریب، اسامی شگفت، و ادعاهای غیر عادی و عجیب تلاش می شود تا مطالبی به عنوان راه حل برون رفت از مشکلات ارائه شود. در این قبیل متون، چنان با قاطعیت و جدیت بحث می شود که هر کسی این فکر را می کند که حتماً اسراری پشت سر این مسائل است گرچه ما از آن سر در نیاوریم.

وقتی به این آثار گسترده در کتابخانه های خود می نگریم، می توانیم تصور کنیم که چه مقدار انرژی نخبگان ما مصروف این شاخه از علوم شده است.

به علاوه، تاثیری که این نوع نگاه بر سایر علوم گذاشته یکی از جالب ترین جنبه های این قبیل دانش ها به لحاظ تمدنی است. انتظار حل مشکلات از این علم، آن هم مشکلات عدیده فردی و اجتماعی، از حل معضل دیوانگی تا دزدی و زندانی و غیره و غیره، می توانست تاثیر زیادی روی کاهش فعالیت های اجتماعی داشته باشد.

از میان اینها، تاثیر این علم به عنوان یک علم سنتی (با تعریف دکتر نصر یا بدون آن) یا هر چیز دیگری، نگاه علمی مسلمانان را سخت مخدوش می کرد. به این ها باید علاوه کرد که این دانش ها، نوعی بافتنی شگفت را در خود پرورش می داد، بافتنی که باید همه از آن در شگفت می ماندند و می گفتند که این علم عجیبی است که از ما ساخته نیست. در این علوم بیش از همه علوم دیگر از لفظ اسرار استفاده می شد که گویی در انحصار عده ای خاص است.

این روزها نسخه ای از طلسمات را که از قرن هفتم هجری است در کنار رسائل دیگری که آنها هم در طلسمات و نجوم و تنجیم است، از نسخه های موجود در کتابخانه ملی فرانسه مرور می کردم.

رساله اول این مجموعه که در طلسمات و قدری آشفته و بدون صفحات آغازین است، در کنار رساله دقائق الحقایق و رساله مونس العوارف قرار دارد که به اجمال در جاهای دیگر شناسانده شده است.

نثر فارسی این رسائل بسیار کهن و از نظر ادبی فوق العاده ارزشمند است و مسلماً از این زاویه باید مورد تصحیح و ارزیابی قرار گیرد.

اما آنچه در اینجا برای من جالب بود، مرور بر یک اثر در علم طلسمات است که شامل عبارات فارسی، اسامی شگفت، نقاشی های عجیب، و باورهایی است که هیچ قرابتی با امور مذهبی نداشته و جز در برخی از الفاظ با آن اشتراک ندارد. این چند رساله می تواند ابعاد این علم شگفت را به ما نشان دهد، مشروط بر آن که با دقت مرور شده و سامان فکری و علمی آن بر اساس آنچه که در آن قرن در اذهان دانشمندان این رشته علمی یا شبه علمی بوده، بدست آید.

این وبلاگ نه محل این کار است و نه بنده در این فرصت می توانم این اثر را که بسیاری از کلمات محو شده تصحیح و عرضه کنم. اما چندین عبارت را به علاوه تعدادی از نقاشی های آن تقدیم می کنم تا اهمیت این بحث را به عزیزانی که علاقه مند به بحث تمدن اسلامی و علوم غریبه هستند گوشزد کنم.

به چند نمونه از عبارات موجود در این کتاب توجه فرمایید:

به قدرت باری سبحانه و تعالی بر منزل ذراع فریشته موکل است، نام وی جنطاغاییل بود، و صورت وی مانده صورت آدمی است درازبالا، و چهار دست دارد و پای همچون پای اسبان تازی، و در یک دست لوحی گرفت و در یک دست مرغ هدهد، و در یک دست قضیبی گرفته و در یک دست دوک از ریسمان پر گرفته و خواهد که براه رود، رود، و به هیچ گونه مانده و خسته نگردد، بنویسد این طلسمات را به مشک و زعفران و زیر طلسمات قمر را بنویسد، سه در سه وقتی که ماه در نور بود یعنی در باشد، و در موم گیرد، و بر آن دست بندد و چندانک براه برود، مانده نگردد به امر الله تعالی

و این هفتاد نام ملایکه را هفتاد کرت باید خواندن و هفت کند، و هر روزی همی خواند، و این ملایکه اند که بر ساق عرش موکل اند این است: طارغاهایی، طماعطواییل، کما فارعاییل، سلامسکاراییل، ولافارعاییل، فماتاصاییل ... صقلاطوارییل، صقلاطوداییل، تمام شد نامهای آن ملایکه که ذکر رفت، جهت این دعوت طلسمات شریف این است....

و صورت این موکل را باید که معزم پیش خود نهد، و بعد از آن نام ملایکه را بخواند و بعد از آن هزار و یک نام باری سبحانه و تعالی هفت بار بخواند، و بعد از آن دست به عمل زند و نیک احتیاط کند که درین عمل بیم ... بود جهت آن که ملایکه می آیند و اگر بر شرایط نبود قصد ؟ کنند....

بیان اسرار منزل هقعه و عجایب آن

اندر خاصیت منزل هقعه. آن فریشته که برین منزل موکل است نام وی هماغاییل بود و حق سبحانه و تعالی او را مانده صورت آدمی آفریده است با چهار دست و سر وی مانند پربوز ؟ بود، و پای وی مانند پای ... بود، و دو پای دارد، و بدستی سرنای گرفته، و بدستی جارویی گرفته، و به دستی شانه گرفته، و به دستی خنجر گرفته، و بر وی چند فریشته دیگر موکل است، و نام فریشتگان این است: محاراییل، محاطاهاییل، مکاعاییل و ... و طلسمات این موکل را اگر بنویسد به مشک و زعفران و این چهل و یک نام را در گرداگرد طلسم ... بدهند اندر میان هر که فراز گیرد ... اما بطالع اسد باید و تثلیث آفتاب با مریخ و ... آفتاب را چهل بار بخواند و ... آفتاب ... مریخ بهم ضم کند و هفت روز ... کند چنانکه هیچ گونه نه شب نه روز نخورد، و بجای خلوت نشیند و عزلت طلبد و ... آهو نویسد ... بر حسب مراد گردد... این است (در اینجا خطوط عجیب و غریب آمده است)

و هرک خواهد که کیمیا را به حاصل آورد، این دیوان را در کوههء بلند طلب باید کردن بعزیمت .. اعظم، در کتاب سنحل ؟ الارواح یا در کتاب دقایق الحاذقین یا کنوز المعزمین، هفت کتاب است که من تالیف کرده ام بعون الله تعالی وحده.

بیان اسرار سر منزل نثره ؟ و عجایب او در...

آن فریشته که برین منزل موکل است، نامش کماطاعاییل بود، و صورت وی مانده صورت استر بود، و رحلی بر پشت وی نهاده، و بر بالای رحل مصحفی نهاده گشوده و در زیر شکم استر خروسی دهان گشوده و پرها گشوده یعنی بانگ خواهد زدن و صورت آن جنی که تکوین ویست مانند صورت پری است، رود با دو بچه به چراگاه و آب خورد. نام وی دفراهاغور بود، و بر وی هفت فریشته دیگر موکل است، و نام آن فریشتگان این است: سجاهاییل، سفهماطاییل، سفراطعاییل

و اگر کسی خواهد که کار بکسب گشوده گردد یا مردی ... بسته بود بگشای بیارد به آن حریر بندد، و بر وی نویسد این طلسمات را تمام به مشک و زعفران و آب انار شیرین وقتی که قمر در منزل بود، و بر بازی دست بندد یا در آن مقام در آن خانه به دیواری جای پاک پنهان کند.....

و اگر خواهی بنویسد بنام طاعنان و بدگویان بگوید بستم زفان فلان و فلان را و در مقام و در مقام پاک زیر سنگی نهد یا اندر کتان ریسمان ببندد و در کیسه پنهان کند. و اگر کسی در زندان بود بنویسد، و در بازوی راست بندد، در حال خلاص یابد و اگر کسی در دست ظالمی گرفتار بود بنویسد بر جام آبگینه و در خورد ظالم دهد از حق تعالی رحمت و شفقت در دل ظالم افتد و یا در جای آن ظالم بریزد یا بر بام برد در سرای وی. آزموده است....

...

باب اندر بیان ملک جنیان جهت موکل

چنین گویند استادان مغرب که ملک جنیان بسیاریند، اما در هر مقامی گروهی موکلند، و اما در هر مقامی که مرم خاص اندر آید باید که ملک آن مقام را دعوت کند و موکل حاصل گرداند، و بعد از آن در آن مقام کار بندد و کار کند که در هر کاری که موکل نباشد آن کار ممکن نبود که حاصل گردد. و اگر شهرست ... همه بحکم جنیان است، و جنیان را ملک هست و وزیر هست و قاضی و سرلشکر و عارض و خطیب و محتسب و مدرس و معلم و ترجمان و جاسوس، و لیکن خاطر کردن مملکت جهت آن است که از وی موکل بخواهند و چون دعوت ملک کنند، مغرم خاص باید بگوید که ای ملک! مرا موکلی نیکو باید یا از وزیر یا

قاضی یا از عارض یا از مدرس یا از محتسب یا از شحنة و غیره موکل بخواهد که البته هرچ از ملک بخواهد ملک بی دریغ می بخشد....

بیان سوم اندر اسرار سر منزل ثریا

به قدرت ربانی آن فرشته که بر منزل ثریا بود موکل است، صورت وی مانند صورت مردی است بر پشت بط کوهی نشسته و دو دست دارد همچون دست آدمیان و بدستی کوزه فقاع گرفته و به دستی مروحه گرفته و نام وی این است.... و هرک خواهد که کسی را از راه باز گردد بنویسد این طلسمات را بدون زنان ... مشک بر پاره تخته بندد یا قواق؟ و در زیر سنگ بزرگ نهد و بگوید: بستم راه فلان را ابن فلان

اندر بیان اسرار سر منزل نثره در تفریق

اندر خاصیت منزل نثره، آن فرشته که بر منزل نثره موکل است ثرهاییل خوانند، و صورت وی مانده صورت قوچی است و بر پشت لقلقی و روی به جانب دنبه کرده و پای های وی چون پای آدمین است، و آن جنی که تکوین وی است نامش سقلاطور بود و صورت وی ... آدمی بود و چهار مار بجای ... یعنی از جای گلوی رگ بیرون آمده و دو دست دارد. به دستی ماهی و بدستی مروحه گرفت و خاتم ثرهاییل این است ... چون کسی را خواهی که زفانش را ببیندی این صورت را بیش نهد و این طلسمات را بنویسد بزنگار و کافور و زعفران بر ... پوست حمار یعنی خر اندر پیچید بریسمان قنب و در زیر سنگی نهد بگوید بستم زفان فلان را بستاد تا با ابد مانده سد یاجوج و ماجوج که اسکندر ذوالقرنین بسته و از غم یاجوج و ماجوج بفضل حق بر بست. طلسم این است...